

پسابرنامه ها و فرصت های جهانی شدن تعلیم و تربیت دوره پسا کرونا در دانشگاه فرهنگیان

سعید رحمانی خواجه لنگی^۱ پژمان قنبری کهیانی^۲ اسکینه رحمانی خواجه لنگی^۳، صادق کریمی^۴،

سید حسین موسوی^۵

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی درسی

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

^۳ کارشناسی آموزش علوم تجربی

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی

^۵ سطح ۲ حوزه علمی معارف اسلامی

چکیده

حرکت به سوی رویکردهای نوین در آموزش عالی ایجاب کرده است بسیاری از دانشگاه‌های جهان از فناوری آموزش مجازی در ارائه دوره‌ها استفاده کنند. این پژوهش درصدد واکاوی پدیده آموزش مجازی و بررسی چالش‌های آن در دانشگاه فرهنگیان است. با استفاده از روش پژوهش پدیدارشناسی، نمونه‌گیری هدفمند و ابزار مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته، ادراکات ذهنی ۸ نفر از مدرسان دانشگاه فرهنگیان ایران، واکاوی شد. پس از مصاحبه هشتم، اشباع نظری حاصل گردید. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری تحلیل شد و اعتبار یافته‌ها با سه معیار قابل قبول بودن، قابلیت اطمینان و تاییدپذیری به دست آمد. نتایج پژوهش، چالش‌های آموزش مجازی در دانشگاه‌های فرهنگیان را در سه محور اصلی تربیت، خلاقیت و روابط قدرت نشان داد. در محیط مجازی، به دلیل فقدان ارتباط رو در رو و الگوگیری دانشجویان از استاد و دیگران، زمینه تربیت چندان فراهم نیست. دانشجوی مجازی با امکان مشاهده واکنش‌های روزمره استاد و الگوگیری از سبک اخلاقی و تربیتی او مواجه نمی‌شود. تمرکز آموزش‌ها بر حفظیات و عدم توجه به یادگیری سطوح بالاتر، امکان پرورش خلاقیت را تضعیف کرده، آموزش مجازی موجب دموکراتیک تر شدن روابط میان استاد- دانشجو و دانشجو- دانشجو شده، اما همچنان روابط با دانشگاه و روابط میان استادان را در سطحی حداقل نگاه داشته است.

کلیدواژه‌ها: توسعه حرفه‌ای، آموزش مجازی، موبایل، یادگیری سیار

مقدمه

عصر حاضر با وجود تکنولوژی پیشرفته، علاوه بر افزایش رفاه اجتماعی گاهی انسان را دستخوش تغییراتی می‌کند. بیماری Covid ۱۹ با کرونا نیز شاید به نوعی محصول همین پیشرفت صنعتی باشد. گرچه هنوز برای تشخیص علل این بیماری زود است و گمانی زنی‌های مختلف، انتقال آن از خفاش به انسان یا حتی جنگ بیولوژیکی را دور از ذهن در نظر نمی‌گیرد ولی آن چه حائز اهمیت است، تاثیراتی است که این بیماری بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها گذاشته است. به عنوان نمونه شیوع کرونا نه تنها باعث ابتلای افراد زیادی شده بلکه تاثیر زیادی بر اقتصاد، صنایع مختلف، حمل و نقل هوایی، خرده فروشی، ورزش و سرگرمی نیز داشته است. در این برنامه با نگاهی به اهداف راه‌اندازی بانک‌های غذا به مرور گزارش‌هایی مبنی بر اینکه مردم گرسنه از بانک‌های غذا بهره نمی‌برند بلکه کسب و کارهای بزرگ این بانک‌ها را مدیریت می‌کنند، پرداخته می‌شود. در ماه‌های گذشته خبرهای خوبی در خصوص تاثیر مثبت فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه‌ی خانگی بر محیط‌زیست به گوش می‌رسد. گزارش‌ها نشان می‌دهد به دلیل تغییرات اجتماعی، حذف بخش عمده‌ای از رفت‌وآمدها، تعطیلی کارخانه‌ها و روند بازار کار ناشی از همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ تخمین زده می‌شود میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای کربنی امسال هشت درصد نسبت به سال گذشته کاهش داشته باشد (خلخالی، ۱۳۹۹). گزارش‌هایی از اروپا هم نشان می‌دهد که در ماه آوریل تعداد افرادی که در اثر آلودگی هوا در این قاره درگذشته‌اند، ۱۱ هزار نفر کمتر از مدت مشابه در سال گذشته بوده است. با این حال پیش‌بینی می‌شود این تاثیرات مثبت کوتاه مدت باشد و بعد از عبور از این روزهای بحرانی، با بازگشایی‌های اقتصادی و در تلاش برای جبران دوران رکود، استخراج منابع و افزایش تولید محصول، آلودگی‌های بیشتری سهم محیط‌زیست است (نویدی، ۱۳۹۹). سازمان بهداشت جهانی به عمده اثرات کووید ۱۹ شامل اضطراب اجتماعی، ناامیدی، اختلال در شبکه‌های حمل و نقل، بازار مسکن، روابط بین فردی، کاهش انگیزه شغلی و ... اشاره نموده است؛ مانند از جمله دیگر تاثیرات این ویروس می‌توان به اشاره کرد. در این رابطه یکی از نهادهای متأثر از کرونا ویروس سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها بود. دانشگاه‌های بسیاری برای عبور از این بحران و حفظ مداوم ارائه دروس، اطمینان از تعداد جذب دانشجویان قوی و ارائه ارتباط روشن با کارکنان و دانشجویان در تلاش هستند. دانشگاه‌ها در این پیمایش چالش‌هایی را مانند حفظ ایمنی و سلامت دانشجویان، اعضای هیأت علمی و کارکنان کنونی در عین تلاش برای عادی نگه داشتن عملیات جاری و آگاهی نداشتن از اطلاعات درست و نادرست مطرح کرده‌اند. مراکز آموزش عالی در مواجهه با این چالش‌ها از طیفی از اقدامات برای سازگاری با این شرایط جدید مانند ارائه برخی دروس برنامه ریزی شده به شیوه آنلاین، به تعویق انداختن تاریخ آغاز برخی از دوره‌های آموزشی تا ترم بعد، تعویق مهلت درخواست پذیرش برای دوره‌های پذیرش بعدی در دانشگاه، تغییر مهلت قبول درخواست پذیرش برای ترم بعد استفاده کردند (اعرابی، ۱۹۹۵). در حالی که در دوران ابهام آمیزی به سر می‌بریم، دانشگاه‌ها می‌توانند پیوسته در تلاش برای ارائه آموزش با کیفیت بالا و ارتباط استوار با دانشجویان باشند. برای انجام این کار لازم است مؤسسات آموزش عالی به نیازها و نگرانی‌های دانشجویان گوش دهند و خود را با به روزترین ابزارهای فناورانه ارتقاء دهند (طاهری، ۲۰۲۰). در این رابطه سازمان ملل به عنوان راهکاری پیشگیرانه، سازمان‌ها و نهادی بین‌المللی را به بازاندیشی در سازوکارهای عملیاتی خود دعوت کرده است. ضرورت توجه به نقش آفرینی آموزش عالی در صحنه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... در ایام کرونا به مثابه‌ی یک نیاز قدیمی، اما با ماهیت و محتوای پیچیده‌تر، در همه نظام‌های آموزشی جهان به ویژه دانشگاه‌ها احساس می‌شود. جوامعی که توسعه آموزش عالی در شرایط بحران را به طور جد مورد توجه قرار می‌دهند؛ افراد جامعه را قادر می‌سازند زندگی در دنیای جدید را به آسانی تجربه کنند و دانش‌ها، ارزش‌ها،

دیدگاه‌ها و توانایی‌های لازم را در این عرصه فراگیرند و گام‌های مؤثری را در زمینه عدالت اجتماعی و حفظ موقعیت اجتماعی بردارند. جامعه دانشگاهی باید از نقش و مسئولیت‌های خود در قبال بحران‌های مختلف جوامع مانند بیماری‌ها را برای حل مشکلات و تبعات ناشی از آن‌ها آگاه شوند (کومسا، ۱۳۷۸). بر این اساس پیمایش‌ها و پژوهش‌های مداوم با هدف پشتیبانی از موسسات آموزش عالی و توسعه نقش آموزش عالی در بحران‌ها به عنوان ضرورتی یر قابل انکار باید مورد توجه قرار گیرد.

پسابرنامه‌ها و چالش‌های دانشگاه فرهنگیان در دوران کرونا و پساکرونا

برای ارتقای وضعیت آموزش عالی دانشگاه فرهنگیان در ایام، اولین قدم شناسایی چالش‌های اساسی آموزش عالی مبتنی بر رویکرد نقادانه در قالب پژوهش‌های کیفی است (نورانی، خجسته، ۱۳۷۹). شناسایی چالش‌های آموزش عالی باعث ایجاد مدیریت کارآمد در ایام کرونا و جلوگیری از هدررفتن وقت، انرژی و کمک به آموزش عالی می‌شود. بر این اساس چالش‌های اساسی حوزه آموزش عالی را باید به منظور استقرار جایگاه آموزش عالی مورد شناسایی قرار داد.

پیامدهای کرونا بر آموزش عالی

یکی از حوزه‌های متأثر از شیوع کرونا و ویروس نظام‌های آموزشی بود. نظام آموزشی مانند دانشگاه‌ها که آمادگی لازم را در مقابله با این بحران نداشتند با شیوع این ویروس هویت و رسالت‌های خود را بی اعتبار شده دیدند. جوامع با مختلف نیز با مشاهده این روند تصویر مطلوب سیستم‌های دانشگاهی را به فراموشی سپردند. چین به عنوان یکی از قطب‌های اقتصاد دنیا با درگیر شدن در این موضوع چاره‌ای جز تعطیلی مراکز آموزش عالی خود ندید. ساختار، موجودیت و روند رو به رشد دانشگاه دچار عقب‌گرد گردید. پژوهش‌هایی که عمدتاً در راستای توسعه علم و فناوری بودند خود را در مبارزه‌ای آشکار با ویروس کرونا دیدند که ساختارهای اجتماعی را دچار خطر کرده بود. پیامدهای ناشی از این بیماری در عرصه آموزش عالی فشارهای روانی و اقتصادی زیادی را بر مشتریان دانشگاه‌ها وارد آورده است. به نظر می‌رسد آموزش عالی پیامدهای این ویروس را در حوزه‌های مختلف آموزشی (لغو کلاس‌های حضوری)، پژوهش (کاهش پژوهش‌های میدانی و آزمایشگاهی)، ارزیابی (عدم امکان ارزیابی دقیق دانشجویان) و سرمایه و امور مالی (تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر آموزش عالی) احساس کرده از سوی دیگر اکثر فعالیت‌هایی که دانشگاه‌ها برای کاهش سرعت انتقال و ویروس و حفاظت از بهداشت فردی صورت می‌دهند تأثیرات بی‌تناسبی را بر روی جمعیت‌های آسیب‌پذیر خواهد داشت. برای مثال، دانشجویان کم‌درآمد ممکن است برای گذراندن واحدهای مجازی به ابزار و یا اینترنت پرسرعت دسترسی نداشته باشند. همچنین، احتمال دارد که این دانشجویان برای هزینه‌های زندگی نیازمند مشاغل مختلفی بوده‌اند. برای دانشجویانی که به لحاظ آکادمیک مشکل دارند، انتقال به یادگیری مجازی بسیار مختل‌کننده خواهد بود، و موفقیت آن‌ها را در آن ترم تهدید خواهد کرد. برخی دانشجویان ممکن است خانه‌ای نداشته باشند، که به آن بازگردند. همچنین هر فرد از استاد تا دربان و کارکنان رستوران‌ها چنانچه در زمان تعطیلی محوطه‌های دانشگاهی دریافتی نداشته باشند؛ ممکن است با مسائل مالی مواجه باشند فروشنده‌های محلی ممکن است بسیار نیازمند تجارت دانشگاه باشد. دانشگاه‌ها دغدغه‌های مالی خود را دارند، اما تا حد ممکن، این مسئله خود در شیوه تصمیم‌گیری حس برابری را به نفع اقشار آسیب‌پذیر ایجاد خواهد کرد. دغدغه‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی مهم هستند؛ برای مثال طرح‌هایی برای آغاز و حمایت از دانشجویان سال آخری زمانی که وارد بازار کار نامعلومی می‌شوند، ارائه شود. بخشی از این تلاش‌ها باید به سوی

حمایت از سلامت ذهنی دانشجویان انجام شود. چالش‌های بیان شده مبین این موضوع است که اگر تمهیدات لازم اتخاذ نشود شاهد پیامدهای آشکار و پنهانی خواهیم بود که ممکن است آینده جوامع را دستخوش نابسامانی‌های بسیاری کند.

راهکارهای حفظ و بقای معنادار آموزش عالی در دوران کرونا و پساکرونا

بر اساس واقعیت‌ها می‌توان گفت: نظام آموزش عالی از بزرگترین نظام‌های موجود در جامعه است که سرنوشت جامعه را مشخص می‌کند. تغییر و تحولات شتابناک، عدم اطمینان و پیچیدگی محیطی از جمله ویژگی‌های آموزش عالی قرن حاضر است. در این فضا، دانشگاه در پی تحقق اهداف و رسالت‌های خود و نقش آفرینی مطلوب است. بی تردید چنین شرایطی میدان رقابتی را بین دانشگاه و محیط به وجود آورده که آن‌ها را ناگزیر به استفاده از متدهایی می‌کند که بتوانند علاوه بر حفظ و بقای خود در این شرایط پاسخگوی نیازهای درونی و برونی خود باشند. بدون شک، پاسخگو بودن و حفظ یا اکتساب آن در شرایط مختلف، چالش همیشگی هر آموزش عالی است. امروزه در نظام‌های آموزشی پیشرفته و موفق، سعی می‌شود تا برای پاسخگویی، زمینه اثربخشی سازمان خود را به وجود آورند. آنها اهداف روشن و مشخصی در نظر گرفته‌اند و سپس در جهت نیل به آن‌ها، همه توان خود را به کار گیرند. آلبرچت^۱ (۲۰۲۰) بیان می‌کند در شرایط پیچیده و پویای محیطی سازمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای به «عنوان سیستم-های پیچیده- سازوارشونده توصیف می‌شوند که باید به گونه‌ای پیچیده و سازوارشونده در محیط و با محیط رفتار کنند. هدف این نوع سیستم‌ها این است که پاسخگوی نیازهای محیطی باشند. بر این اساس سیستم به منظور پاسخگویی معنادار خود لازم است اثربخش باشد. این بدان معناست که بتواند در عین برخورداری از چالاکی و پویایی بالقوه و بالفعل متناسب با سطح پیچیدگی محیط، در یک جریان تعاملی در محیط و با محیط، بتواند تأثیرات نامطلوب محیط بر خود را کنترل کند و در عین حال، خود بر محیط تأثیرات آگاهانه بگذارد. این امر مستلزم برخورداری سیستم از انسجام درونی است (طاهری، ۲۰۲۰).

آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران آماده باشند یا نه، ناگزیرند در شرایطی که انقلاب دیجیتال و عصر پست مدرن برای آنها تعیین کرده است زندگی کنند. شرط پست مدرن، چنانکه امانوئل کسل گفته است زیستن در «عصر دانش»، اطلاعات و ارتباطات و جامعه «شبکه‌ای شده» است. ما ناگزیر هستیم با تغییرات و سرعت شتابان علم و تکنولوژی و دانشگاه روز همراه و همگام شویم، هر چند تغییرات «روز» با چنان شتابی رخ می‌دهند که «امروز» قبل از آنکه به رؤیت ما برسد ناپدید شده است. به نظر می‌رسد علی‌رغم تحولات چشمگیری که در آموزش عالی کشور وجود آمده است، ما همچنان فاصله زیادی با نظام‌های پیشرفته آموزش عالی جهان داریم و ناگزیر باید فاصله خود را با نظام‌های آموزشی جهان کمتر سازیم تا امکان بیشتر برای تعامل و ارتباط و مبادله با آنها را بدست آوریم. مجموعه پژوهش‌ها مبین این موضوع است که در مواقع بحران سرنوشت جوامع تا حدود زیادی به نقش آفرینی آموزش عالی در پیمایش مسیر از بحران به راهکارهای عملیاتی می‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد در دوران کرونا و پساکرونا آموزش عالی به عنوان اصلی‌ترین مسیر توسعه‌دهنده منابع انسانی متخصص در دستیابی به روندی رو به رشد می‌باشد. بر این اساس در ایام کرونا و پساکرونا نیازمند تدابیر و راهکارهایی هستیم که بتواند راهنمای نقش آفرینی مثبت و معنادار این سیستم باشد.

بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که ما در حال گذار از عصر سازمان‌های سازمان داده شده در حال حرکت به دوره «ای-هستیم» که سازمان‌ها باید به طور مرتب فرآیندهای خودسازماندهی را به منظور پاسخ به تقاضاهای محیطی در پیش گیرند.

¹- Albrecht

در شرایط بی ثبات و پویای موجود در محیط کنونی سازمان‌ها با موج عظیمی از تغییرات و تحولات شتابناک روبرو هستند. تحولات پر بعد و چندلایه ای که متأثر از تعاملات باز و پویای محیطی می باشد؛ آموزش عالی را ناگزیر به استفاده از رویکردهایی نموده که بتوانند به خودبوم سازماندهی، پاسخگویی و بقای معنادار خود بپردازند (ترک زاده، ۱۳۸۸). از سوی دیگر تغییر در ساختارها و پویایی مدیریت آموزش عالی به عنوان مکانیسمی مؤثر در توسعه آموزش عالی در شرایط بحران می باشد. رویکردهای ساختاری و مدیریتی آموزش عالی پیش بینی کننده آینده تحولات اجتماعی نیست و لازم است روزآمد گردد و لازم است مدیران ارشد و رهبران آموزش عالی خود را از فرآیندها و بحران‌های روزمره دانشگاه جدا سازند و بدین‌گونه دیدگاهی متفاوت از دانشگاه و محیط متغیر آن حاصل کنند که علاوه بر نقش آفرینی مؤثر در محیط بتوان زمینه‌ی توسعه و بهبود آموزش عالی را فراهم آورند. در پژوهش خود با عنوان شناسایی نیازهای دانشگاه‌های قرن بیست و یک به منظور توسعه‌ی پایدار علمی بیان می‌کند؛ دانشگاه‌ها به منظور ترویج تغییرات سیستماتیک می‌بایست در شیوه‌های رهبری خود تجدید نظر کنند فرصت‌های یادگیری برابر را برای دانشجویان مبتنی بر برنامه‌های درسی جدید و فناورانه بوجود آورند. یکی دیگر از ارکان متأثر از کرونا برنامه‌های درسی و آموزش است. در پژوهشی با عنوان ارایه چارچوبی برای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها در قرن ۲۱ مؤلفه‌های رهبری، برنامه‌ی درسی، پژوهش و فناوری را به عنوان شاکله‌ی اصلی ارزیابی عملکرد این دانشگاه‌ها مورد توجه قرار دادند بابسیل و کاراباجال (۲۰۱۴) در پژوهش خود گسترش آموزش عالی مجازی را راهبرد اساسی توسعه آموزش عالی مبتنی بر ویژگی‌های هزاره سوم برشمرده‌اند. از نظر آنها از جمله ویژگی‌های آموزش عالی هزاره سوم عبارتند از:

- ۱- چند زبانه بودن دانشگاه
- ۲- نوآوری در شیوه‌های آموزش
- ۳- توجه به فرهنگ محلی در شیوه‌های آموزش
- ۴- تغییر در برنامه درسی با توجه به پیش نیازهای جهانی شدن بر این اساس یکی دیگر از ارکان پیشنهادی در آموزش عالی مباحث مربوط به توسعه برنامه درسی می باشد.

آیا فکر می‌کنید کرونا می‌تواند زمینه تحول آموزش مجازی را در دانشگاهها در دوران پسا کرونا فراهم کند؟

تحول به معنای تغییر واژه مناسبی هست، اگر منظورمان بهتر شدن یا بدتر شدن هست واقعا این را نمی‌دانیم. بدون تردید واژه پسا کرونا واژه ای است که امروز زیاد شنیده می‌شود، بخصوص در حیطه ارزش‌ها و سیطره مفهوم شر در جامعه و تقابلی با خیر، مفهوم پسا کرونا مفهومی است که انتظار می‌رود جامعه ما را دچار تغییرات زیادی بکند. ولی در حیطه آموزش من فکر می‌کنم مثل امروز که در دوره کرونا بسر می‌بریم و آموزش و کلاس‌های دانشگاه ما بصورت آنلاین ادامه پیدا کرد و با این سه سطحی که در آموزش تعریف شد؛ یکی بصورت آنلاین، یکی بصورت آفلاین بدون صدا و یکی آفلاین همراه با صدا و نظام آموزش عالی ما این جور برداشت داشتند که بهترین آموزش، آموزش آنلاین هست و بعد از آن، آن دو نوع آموزش دیگر که کمتر جنبه رسمی شده‌ای دارند. دلیلش هم این است که این‌ها تصور می‌کردند پرسش یا سوال پرسیدن در جلسه آنلاین امکانپذیر هست، اینکه چرا این تصور را دارند، مگر سوال را لزوما افراد در جلوی جمع می‌پرسند و نمی‌توانند بصورت مجزا از استاد به صورت تلفنی یا ابزارهای ارتباطی بپرسند این خیلی عجیب است. تصور من این است که جامعه ما در دوران پسا کرونا بسیار تغییر خواهد کرد، بخصوص در حیطه ارزش‌ها بسیار مشخص است، جهان کار بسیار تغییر خواهد کرد. بسیاری از کارها که از دست رفته است از طریق‌هایی مانند دورکاری یا استفاده از هوش مصنوعی پر می‌شود و فوق العاده این تغییرات

محسوس خواهد بود. ما الان در دوران بحران بسر می‌بریم، ما دوره قبل از بحران را داشتیم، نرمالیزاسیون یعنی برگردیم به دوران قبلی که من فکر نمی‌کنم امکان پذیر باشد، ما وارد یک دوران جدیدی می‌شویم. در حیطه آموزش تصور من بر این است که آموزش مجازی جایگاه مهم تری را در آینده پیدا خواهد کرد.

ویژگی های دنیای پسا کرونا در حیطه آموزش را بیشتر باز کنید.

در دوره پسا کرونا احتمالاً آموزش های آنلاین و مجازی افزایش پیدا خواهد کرد، دلیلش هم این است که به لحاظ مالی نظام سرمایه داری با این دیدگاه که مورد بازخواست قرار می‌گیرد و آموزش جنبه یک کالای مصرفی پیدا می‌کند چون دیگر نیاز به مکان و جا ندارد و ما می‌دانیم که جا و مکان برای آموزش یک امر مهم است، و برای کسانی که آموزش را ارئه می‌دهند سود دارد که هزینه ای بابت مکان نپردازند، قبلاً این تجربه شده بود در آموزش های زبان انگلیسی کسانی که آموزش های مجازی ارائه می‌دادند و این به صرفه تر می‌کرد آموزش را برای افرادی که در فواصل دور بودند، کسانی هم که امکان حضور در کلاس را داشتند هزینه این کلاس ها را پرداخت می‌کردند. نگرانی من از این است که دانشگاه های ما به این سمت بروند که در آینده این را یک داروی معجزه آسا و شفابخش پیدا کند که خیلی از کلاس های ما را به صورت مجازی تشکیل دهد.

چرا این مسئله را جای نگرانی می‌دانید؟

به این دلیل که در این کلاس های مجازی بسیاری از ویژگی های بسیار مثبت در آموزش آنلاین وجود دارد، این آموزش آنلاین بخصوص مبتنی هست بر دیدگاه هایی که فیلسوف بزرگ فرانسه میشل فوکو سال ها پیش می‌گفت که این آموزش که ریشه اش در مراقبت و تنبیه در تولد زندان است، یک دیدگاه سراسربین هست. من اجازه می‌خواهم مستقیم به این متن ها اشاره کنم و بگویم چه نسبتی ما با مفاهیم مراقبت و تنبیه در تولد زندان فوکو داریم، فوکو تصور می‌کرد که در آینده این نظامی که در زندان بصورت یک دیدگاه سراسربین هست می‌آید و جایگاه پیدا می‌کند در آموزش، ایشان می‌گفت که شروع این دیدگاه در زندان هست، دیدگاهی که از معماری آغاز شد و ساختمانی حلقه ای در پیرامون و برجی در مرکز، برج با پنجره های عریض مشرف به نمای داخلی ساختمان و ساختمان پیرامونی نیز از سلول هایی تشکیل شده که تمام عرض ساختمان را از یک سر تا سر دیگر در بر می‌گیرد. ما دقیقاً همین وضعیت را در سیستم آنلاین آموزش مجازی دانشگاه داریم، یک ناظر آموزشی داریم که ناظر مجازی است و می‌آید حضور و غیاب را در این کلاس ها کنترل می‌کند که آیا دانشجویان در کلاس هستند یا خیر، یعنی فقط بحث حضور است، هرچند که این سیستم آنلاین به لحاظ جنبه فنی دارای اشکالاتی هست ولی این جنبه فنی به هر صورت بهبود پیدا خواهد کرد و اشکالاتش دیده خواهد شد، مثلاً به لحاظ باری که به سیستم فنی وارد می‌شود تصویر اساتید را نمی‌توانند پخش کنند یا مثلاً اساتید باید پاورپوینت هایی را باز کنند یا باید تصویرشان دیده شود یا بعضی مواقع نویز یا نوفه در سیستم است که من اعتقاد دارم در آینده با بهبود جنبه های فنی برطرف می‌شود، ولی چیزی که خوب نخواهد شد این است که در این کلاس ها بسیار سنتی تر از کلاس های سنتی ما هستند، کلاس های سنتی ما عملکرد بهتری داشتند و ما باید برویم به سوی آموزش هایی که آموزش مبتنی بر شایستگی است (راجاروی، ۱۹۹۱).

آیا می‌توانید آموزش مبتنی بر شایستگی را شرح دهید و توضیح دهید که چرا آموزش آنلاین با آن هماهنگ نیست؟

البته این آموزش آنلاین هماهنگ با مفاهیم نظام سلسله مراتبی و دیکتاتوری هم هست و آن را تقویت می‌کند. مثلاً دانشجو باید ابتدا متنی را تایپ کرده و سوال خود را بپرسد و اگر استاد اجازه داد آن گاه میکروفون بگیرد. هویدا ۱۳ سال فریاد می‌زد که در ایران شخص دوم وجود ندارد. در آموزش آنلاین هم فقط شخص اول هست. در این آموزشی که ما الان داریم کماکان

عین آموزش های سنتی استاد در مقابل یک کلاس قرار می گیرد و در مقابلش جمع قرار دارد نه فرد، در صورتی که این افراد یک میانگین از توانایی ها نیستند و هر کدام توانایی های خاص خودشان را دارند، انگیزش های خاص خودشان را دارند، در نظام های مبتنی بر شایستگی، همان طور که اسکینر برای بار اول مطرح کرد، باید با هرکس طبق توانایی و انگیزه خودش انفرادی برخورد شود تا استعدادهایش شکوفا شود، خوشبختانه کرونا به ما نشان داد که ما می توانیم از امکاناتی مثل موبایل و تلفن و اینترنت و شبکه های اجتماعی استفاده کنیم و این ها را اگر ما بیاوریم در خدمت آموزش یعنی استاد بیاید و بصورت آفلاین، من با این دیدگاه بیشتر موافق هستم، زحمت بکشد، پاورپوینت هایی تهیه کند و اطلاعات را به صورت محرک در اختیار دانشجویان قرار دهد و بعد دانشجویان این ها را مطالعه کنند. آن چیزی که امروزه معروف است به یادگیری معکوس و خوشبختانه ما ادبیاتش را هم در ایران داریم؛ مثلا خانم دکتر الهه حجازی یک مقاله خیلی خوبی در این مورد نوشته اند، با این آموزش آفلاین دانشجویها به صورت انفرادی به این ها مراجعه می کنند و بعد امکان دسترسی به استاد از طرق مختلف میسر هست و البته استاد باید برای این ها وقت بیشتری بگذارد و پاسخ های موردنیازشان را فراهم بکند. من اشاره می کنم که امروزه مفاهیمی مثل نت فلیکس یا هلو که در تلویزیون هست در مقابل مفاهیمی مانند پادکست که در برابر رادیو است، این ها آنلاین نیستند و صف های ارتباطی آفلاین هستند و بسیار موثرتر هستند، یکی از ویژگی های این ها این است که به اصطلاح عاملیت طرف مقابل یعنی مخاطب خیلی افزایش پیدا می کند، قدرت انتخاب پیدا می کند (مهرعلیزاده، ۱۳۸۳).

دانشجویان خودشان را در یک فضایی احساس می کنند که توسط استاد دیده می شوند و آن ها هم استاد را می بینند، هم آن ها تصویر می فرستند و هم استاد، حضورشان کنترل می شود و در آن کلاس و در آن مکان و در آن زمان آن ها باید به امر آموزش سرگرم شوند، در صورتی که در آموزش آفلاین دانشجوی می آید محتوای آموزشی آن جلسه را بر می دارد و در هر ساعتی که خودش انتخاب می کند با توجه به شرایط روحی- روانی که بهترین حالت باشد، به محتوای آموزشی دسترسی پیدا می کند و البته باید در این سیستم اساتید ابتکارات و خلاقیت هایی به خرج دهند مثلا از دانشجویان بخواهند سوالاتشان را در فضای اجتماعی به اشتراک بگذارند و پاسخ هایی پیدا کنند و بعد به استاد انتقال دهند. من بسیار دیده ام که روش آفلاین دقیق تر و بهتر است. قسمت هایی از کتاب "تولد زندان" فوکو را برایتان می گویم: در تولد زندان می گوید افرادی که در اثر یک بیماری به قرنطینه می روند مانند کرونا، البته مثال فوکو طاعون هست، این را مقایسه کرده با دیدگاه سراسرینی که در زندان است، امروزه ما می توانیم آن دیدگاه سراسرین در زندان را با گرایش آنلاین مقایسه کنیم و آن دیدگاه قرنطینه را با وضعیت آفلاین مقایسه کنیم، البته قرنطینه شبیه آفلاین نیست ولی این دو خیلی با هم نسبت نزدیکی دارند؛ در هر دو قدرت دست اندرکار است ولی قدرتی که در سراسرین است یعنی همین الگوی ناظر مجازی دیده نمی شود و اصلا ما آن را نمی بینیم، در صورتی که در الگوی قرنطینه این قدرت دیده می شود، قدرتی است که اعمال می شود و خودش را به نمایش می گذارد. آفلاین این سبکی نیست، در آفلاین اصولا اطاعت، کنترل، انقیاد در کار نیست، کسی نیست که بیاید و دانشجوی را مشاهده کند و حضورش را چک کند و حضورش را پاداش داده و غیابش را تنبیه کند، واقعا انگیزه های آن فرد خیلی بیشتر است چون عاملیت از خودش شروع می شود و او است که می آید انتخاب می کند، همان طور که در شبکه نت فلیکس طرف انتخاب می کند که چه فیلمی را ببیند در آن سطوحی که اینترنت برای ما فراهم می کند، در مقابل تلویزیون که عینا سبک آنلاین دارد و آن ها هستند که تعیین می کنند ما در چه ساعتی می توانیم فلان فیلم را ببینیم، یا سبک پادکست، و من اعتقاد این است که همین طور که این ابزارهای آفلاین مثل پادکست و نت فلیکس بسیار مدرن تر بوده و به افکار امروز در جامعه نزدیک تر است، البته از لحاظ شرایط پدیدآوری هم متاخر هستند نسبت به رادیو و تلویزیون و از این طریق هم ما می

توانیم آن‌ها را زنده تر بدانیم، ولی ویژگی ممتاز این‌ها این است که در این‌ها اطاعت و انقیاد نیست بلکه عاملیت است و در عاملیت انگیزه فردی است که انتخاب می‌کند و این خیلی ارزش دارد.

آیا می‌توانید نوعی از آموزش را مثال بزنید که در آن عاملیت نقش برجسته‌ای دارد؟

من آموزش دانشگاهی را مقایسه می‌کنم و آموزش حوزه‌ای ما صرف نظر از محتوا؛ من همیشه اعتقاد داشته‌ام که در آموزش حوزه‌ای ما بسیار نقش عاملیت برجسته بوده، فرد استادش را انتخاب می‌کرده و مقابلش می‌توانسته هر کسی باشد، این خیلی جنبه برجسته‌ای دارد چون حتی می‌توانسته فردی در یک سلسله مراتب خیلی بالاتر را انتخاب کند، البته باید طرف مقابل هم او را انتخاب می‌کرد. زمانی هم برای تحصیل وجود نداشت و این می‌توانست خیلی گسترده، برخی مواقع چند سال را در بر بگیرد. آزمون و امتحان و هیچ کدام از این مفاهیم نبود، همه این‌ها عوامل کنترل‌کننده‌ای هستند. به نظر من اگر ما به این سمت برویم که از آموزش مجازی که امروزه امکان خیلی خوبی را برای ما قرار داده استفاده مناسب بکنیم ولی این جنبه حضور و انقیاد و این‌ها را برداریم و به اصطلاح آموزش را از دید برعکس انجام دهیم، یعنی ابتدا محتویات به صورت آفلاین ارائه شود و بعد دانشجویها بتوانند سوالات خودشان را از اساتید بپرسند هم پرسش‌های خیلی عمیق و هم درک بسیار عمیقی خواهیم داشت. متأسفانه در سیستم آموزش عالی ما این نگاه وجود دارد که آنلاین را فراتر از آفلاین می‌دانند و یک سلسله مراتب این‌گونه تعریف کرده‌اند؛ آنلاین در بالاترین سطح قرار دارد، بعد آفلاین بعلاوه ویس، و بعد آفلاین. اگر ما این را به بعد از کرونا منتقل کنیم یعنی در دوران پساکرونا بی تبعاتش فوق‌العاده فاجعه‌بار خواهد بود، یعنی آموزش عالی ما که هم اینک از نظر سطح و درک و دانش خیلی در سطوح پایین تری هست باز هم پایین تر خواهد رفت. باید توجه کرد که دانشگاه نباید سطح تدریس را به استاد تحمیل کند و نباید نظام‌های کنترل و مراقبت را پیاده کند.

ارزیابی شما از وضعیت کیفی دانشگاه‌های ایران در چنین شرایطی چیست؟

در دوران کرونا مشخص شد بسیاری از دانشگاه‌هایمان که عین قارچ رویدند، اصلاً امکانات نرم‌افزاری نداشتند که بتوانند آموزش مجازی را برگزار کنند، طبیعی است که ما در دوران اپیدمی کرونا باید آموزش مجازی می‌داشتیم. در چین سیستم آموزش مجازی بسیار موفق عمل کرد، شرکت‌های Ali baba و talent امکان برگزاری کلاس‌های آنلاین را ایجاد کردند و این برنامه‌ها به معلمان و اساتید امکان برگزاری دوره‌های آنلاین و هدایت دانش‌آموزان و دانشجویان را از دور از خانه داد، نه فقط اینجا و مثلاً در ریموت ورکینگ هم همین‌طور، این‌ها تجربیات گران‌بهای است. من تاکید می‌کنم که ما نباید آموزش مجازی را دست کم بگیریم یا بی‌ارزشش کنیم و باید از این امکانات فناورانه بسیار بهره‌مند شویم. اتفاقاً رویه‌ای که در دانشگاه‌های بزرگ ما هست خوب است که از آموزش مجازی استفاده می‌کنند، من با سیستم سلسله‌مراتبی که امکانات آفلاین را ناچیز می‌دانند مخالف هستم. به نظر من آموزش آفلاین با «یادگیری مبتنی بر شایستگی» خیلی ارتباط وسیع‌تری دارد. بنابراین من با تمرکز موافقم، یعنی با عدم تمرکز و این‌که اجازه دهیم هر دانشگاهی هر سازی که خواست بزند یا هر جوری که خواست عمل کند موجب یک نوع هرج و مرج می‌شود که مناسب نیست، باید نظارت باشد (رابرتسون، ۱۳۹۰).

شایستگی در نظام‌های مبتنی بر شایستگی چیز دیگری است، شایستگی این است که اولاً استاد با فرد روبرو است نه با جمع، این خیلی مهم است، اسکینر سال‌ها پیش این را مطرح کرد، ماشین‌های آموزشی خودش را به عنوان بدیل معلم معرفی کرد؛ گفت اولاً آموزش خوب آموزشی است که دانشجو با فرد و فردیت خودش روبرو شود، مثلاً بعضی‌ها هوش بالاتری دارند بعضی‌ها هوش متوسط و برخی هوش پایین، انگیزه‌های افراد با هم فرق می‌کند و همه این‌ها در دانشجویان به صورت فرد متفاوت

است. بنابراین اسکینر می گفت این آموزشی که معلم می آید سر یک کلاس و یک جمع را مخاطب قرار می دهد دقیقاً آموزش است که پروکراستی هست، پروکراستوس خدای یونانی بود که افراد می آمدند به خدمت او. آن هایی که کوتاه تر بودند کش می دادند بلند شوند و آن هایی که بلندتر بودند فشار می دادند تا کوتاه شوند. کرونا یک فرصت استثنایی فراهم کرد تا بار دیگر به این گفته های مبنایی باز گردیم که ما از آموزش مجازی استفاده درست بکنیم در جهت اینکه به ایده های اساسی تعلیم و تربیت توجه کنیم. دانشجو می آید به انتخاب خودش، عاملیت که در نظام آموزشی ما تعریف شده و آفلاین نام دارد و نظیرش در تمام دنیا شناخته شده است مانند پادکست یا نت فلیکس یا کمپانی دیزنی که همین طور است و رقیب تلویزیون هستند، این ها دیگر وابسته به زمان نیستند و این مهم ترین ویژگی سیستم شایستگی مدار است. بزرگ ترین عامل و ویژگی آموزش های سنتی این طور تعریف شده، وابستگی به زمان، یعنی همان چیزی که در سیستم آنلاین هست. در سیستم آموزش شایستگی وابستگی به زمان نیست و آموزش وابسته به مکان هم نیست. درست است در آموزش آنلاین هم مکان واقعی نیست و مجازی است ولی یک مکانی است که حس می شود، تمام این ها در آموزش مبتنی بر شایستگی حذف می شود. فرد می آید و ملاک های شایستگی می آید. اینکه ما متاسفانه در زبان فارسی واژه نداریم و competence را خیلی گل و گشاد مصرف می کنیم، مثلاً به مهارت کار کردن استاد با کامپیوتر که یک مهارت بسیار ساده و قابل آموزشی است نام شایستگی می نهیم در صورتی که شایستگی این نیست (گارت، ۱۹۹۱). البته اسکینر را از لحاظ کنترل و از لحاظ مراقبت با سیستم آنلاین امروز بسیار همگام بود، کتاب والدن ۲ دقیقاً با این موارد همگام بود و در این مواقع من اصلاً حق را به او نمی دهم، با اینکه انسان ها را تحت یک نظام سلطه ای قرار می داد اصلاً موافق نیستیم اما از نظر اینکه می گفت باید بازخورد بلافاصله باشد و شایستگی های فردی مدنظر قرار بگیرد بخصوص بر ویژگی های افراد تکیه داشت، یعنی معلم باید با فرد روبرو باشد و آموزش مجازی این فرصت را تهیه کرد که ما از آموزش سنتی فاصله بگیریم، از آموزشی که می رود سر کلاس و یک جمعی را در یک زمان محدود مورد خطاب قرار می دهد، این را گسترش دهیم در ارتباطات آفلاینی که دانشجویان و دانش آموزان محتوای آموزشی معلم ها را برمی دارند و ارتباطاتشان در قالب پرسش های عمیق تر ادامه پیدا می کند.

چه رابطه ای بین آموزش پست مدرن و آموزش در دوره پساکرونا می بینید؟

اعتقاد من این است که در جهان پست مدرن انسان ها کم کم به کنار می روند و فنون می آیند و جای آن ها را می گیرند. مارکس به کارگرانی که نگران بودند ماشین ها بیایند و جایشان را در دنیای کار بگیرند می گفت نگران نباشید همیشه کارفرمایان به شما نیاز دارند، به حضور نیروی زنده شما. امروز احتمالاً در جهان پساکرونا شغل های زیادی که ناپدید شدند، یک مقداری ریموت ورکینگ بودند و یک مقدار زیادی از این کارها هم به سیستم های هوش مصنوعی سپرده می شود و از همین الان هم در کشورهای پیشرفته به این کار اقدام شده است چون هم ارزان تر است هم بهتر از همه چیز است (نورانی، ۱۳۷۹). اعتقاد دارم آموزش مجازی هم در نظام آموزشی ما جایگاه وسیع تری پیدا می کند ولی اگر درست طراحی نشود، من جمله همین سبکی که کلاس ها خیلی ضعیف تر از آموزش سنتی شده و ما متاسفانه عقب گرد کردیم به جای اینکه جلو برویم و از اساتید خواسته شود که از امکانات آفلاین استفاده کنند و دانشجویان را به ارتباط گسترده تری با اساتید تقویت کنند، این قسمت ها را به خوبی بتوانند پیگیری کنند و بر آن نظارت داشته باشند و ارزش یابی بکنند همین موارد را، متاسفانه به جای این کارها همه بحث ها بر عهده فناوران عرصه تکنولوژی که هیچ تخصصی در مسئله آموزش ندارند مطلق شده است. به نظر من محتوای آموزش فراموش شده و من خیلی با صراحت می گویم که زنده باد آفلاین و مرده باد آنلاین، منظورم از آنلاین این نوع آنلاینی است که بیان کردم و الان در دانشگاه های ما در جریان است و همه هم و غم استاد

این است که یک ساعت برود سر کلاس درس و صدای خودش را به گوش دانشجویها برساند. این ابتدا برای دانشجویان جذاب خواهد بود و یک حالت جادویی دارد، کلا انسان ها وقتی در معرض فناوری جدید قرار می گیرند ابتدا جذب آن می شوند، مثلا می گویند ما بدون اینکه در مکان کلاس باشیم صدای استاد را داریم و در خانه زیر پتو نشسته ایم و تصویر می فرستیم و تصویر داریم.

بحث و نتیجه گیری

نهاد آموزش عالی با جریان های ضد و نقیضی در جهان امروز روبروست، چنانکه به اعتقاد صاحب نظران این حوزه، آموزش عالی دچار وضعیت «فوق پیچیدگی» شده است. این جریان ها، ادراک و احساس ما را نسبت به وضع کنونی دانشگاه و آینده آن با ابهام، پیچیدگی و دوگانگی شدیدی روبرو کرده و احساس دوگانه بیم و امید نسبت به تحولات آموزش عالی در سطح جهان بوجود آورده است. یکی از موقعیت های کنونی که آموزش عالی در آن قرار گرفته، شیوع ویروس همه گیر کرونا در سطح جهان است.

در این وضعیت دانشگاه-ها به منظور به انجام رساندن وظایف خطیر و پویایی و ارتقای خود، نیازمند الگو و ابزار مناسب برای ارزیابی و اطمینان کیفی از روند برنامه ها و فرایندهای مربوط و کارآیی و اثربخشی در شرایط موجود است. در وضعیت کرونا- ویروس نظام آموزش عالی کشور باید با برنامه ریزی دقیق در امور آموزشی، پژوهشی و تربیت نیروی انسانی، برای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود در کشور تلاش کرده و بیش از پیش نوید دهنده شکوفایی و اقتدار علمی و فرهنگی جامعه باشد. دانشگاه برای حفظ پویایی خود در ایام کرونا نیازمند برنامه -ریزی های توسعه ای و راهبردی، بهبود فرایندها و روش‌ها و کنترل مستمر کیفیت است. انجام و تحقق هر یک از امور و فرایندهای مذکور همراه با برنامه ریزی دقیق، نیازمند اطلاعات واقعی، دقیق، مرتبط و روزآمد است. هدف از این پژوهش بررسی وضعیت آموزش عالی در دوران کرونا و پساکرونا می باشد. بر این اساس نتایج این پژوهش که مبتنی بر رویکرد توصیفی بود نشان داد؛ آموزش عالی به منظور نقش آفرینی مثبت و معنادار خود در ایام کرونا و پساکرونا نیازمند متناسب سازی خود بر اساس مؤلفه های ساختار و مدیریت، پاسخگویی محیطی و برنامه درسی است.

منابع

۱. فرد آر دیوید (۱۹۹۵). مدیریت. استراتژیک ترجمه پارسایان، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۲. سید نورانی، سید محمدرضا: ۱۳۷۹ «جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه و ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۵۶ و ۱۵۵، مرداد و شهریور.
۳. سینک، راجاروی: ۱۳۹۶ آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم، ۲۰۱۹، ترجمه بهرام محسن پور، تک نگاشت شماره ۹، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۴. کومسا، احمد: ۱۳۷۸ «جهانی شدن و منطقه گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ش ۱۴۸ و ۱۴۷، آذر و دی.
۵. کینگ، الکساندر و اشنایدر، برتراند: نخستین انقلاب جهانی، باشگاه رم، ۲۰۱۰، ترجمه شهیندخت خوارزمی، انتشارات احیاء.

۶. گارت، جی. مارتا: مطالعاتی برای قرن بیست و یکم، ۱۹۹۹، ترجمه غلامحسین نفیسی، تک نگاشت شماره ۱۹، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۷. گاستون میالاره، ژان و یال: ۱۳۷۱ تاریخ جهانی آموزش و پرورش، جلد اول، ترجمه محمد رضا شجاع رضوی، آستان قدس، معاونت فرهنگی.
۸. «گزارش بازبینی شده سازمان ملل متحد درباره پیش‌بینی جمعیت جهان»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ترجمه علی اصغر مهاجرانی، ش ۱۶۰ و ۱۵۹، آذر و دی ۱۳۷۹.
۹. ملایی نژاد، اعظم: ۱۳۸۲ انتظار جامعه فردا هوشمندی چندگانه است، ماهنامه آموزشی رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۵۵.
۱۰. مهرعلیزاده، یدالله: ۱۳۸۳ جهانی سازی و نظامهای آموزشی با تأکید بر کشور ایران، انتشارات رسش، زمستان.
۱۱. نورانی خجسته، مهدی: ۱۳۷۹ برندگان و بازندگان، پیام یونسکو، شماره ۳۵۹.
۱۲. یونسکو: آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، ملبورن، گروه مترجمان، تک نگاشت ۲۷.
۱۳. خلخالی، علی (۱۳۹۹). مدیریت پاسخگو. رشد مدیریت. مدرسه ۳، ۱۴-۲۰.
۱۴. طاهری، محسن (۱۳۹۹). سوچ تجزیه و تحلیل دادهها، مدل تحلیل صعودی گارتنر.
۱۵. تهران، انتشارات: ویرایش .
۱۶. ترک زاده، حامد (۱۳۸۸). فرایند مدیریت تعلیم و تربیت در چالش های غیرمنتظره، نشریه مدیریت آموزشی، ۳(۵)، ۴۹-۲۹

17. Environment. در Karl, A. (۲۰۲۰), the Strategic Radar. Model. Scanning the Business
Strategic trend research involves a very wide-ranging investigation
18. .The Death of the SWOT. (۲۰۱۷), *Analysis and the Rise of the Strategic*
19. blog.hellostepchange.com